



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲
نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹
تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۷۵۵
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۳۳-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۲ اذان مغرب ۲۰:۰۸ اذان صبح فردا ۴:۴۲ طلوع آفتاب ۶:۴۱

#### نقد فرهنگ

### فیلمی از «داریوش مهرجویی»؟



#### روبرت مافاریان

■ نه، این فیلمی از داریوش مهرجویی نیست. نارنجی-پوش نمی‌تواند کار فیلمسازی باشد که بدینی فلسفی‌اش را در «پستی‌» و «پری» و «هامون»، کمال وسواس‌آمیزش در فرم بصری را در «لیلا» و «سارا»، دغدغه‌های اجتماعی‌اش را در «دایره مینا» و «سارا» و کسدی ابزروش را در «جاردنشین‌ها» و «همان مامان» دیدمایم. به نظر می‌رسد که این مهرجویی دیگری است که بطی به مهرجویی سازنده آن فیلم‌ها ندارد. اما واقعا چنین است؟

آیا غیر از این است که نگاه فلسفی بدبینانه از همان اولین فیلم مهرجویی بعد از انقلاب، یعنی اجاره‌نشین‌ها، رو به کاستی می‌گذارد. مساله اجاره‌نشینی در پایان اجاره‌نشین‌ها به شیوه‌ای فانتزی حل می‌شود (و آیا کل نارنجی-پوش را نمی‌توان گسترش همین راه‌حل فانتزی برای معضلات اجتماعی دانست؟). در «سنستوری» مساله اعتیاد قهرمان اصلی فیلم در پایان با لحنی خوش‌بینانه درمان می‌شود و مهم‌تر از همه در «همان مامان» آدم و عالم دست‌به‌دست هم می‌دهند تا سفره شام باصفای خانم خانه به بهترین وجه چیده شود.

از وسواس در فرم بصری نیز در فیلم‌های متاخر مهرجویی دیگر چندان خبری نیست. به‌خصوص دو فیلم خوب هممان مامان و سنستوری از این منظر قابل تاملند، و به‌خصوص سنستوری. این گرایش همراه با یک جور رفتن به سمت فیلم عامه‌پسند در روایت است. صحنه‌ای در هممان مامان هست که تعدادی از عشق سینماهای قدیمی از «گنج قارون» یاد می‌کنند. این اتفاقی نیست. خود هممان مامان از نظر ساده‌لوحی بنیادینش به فیلمفارسی پهلوی می‌زند، اما با حفظ پیچیدگی نگاهش و توجه به وجه گاه بوچ و گاه دردناک رویدادها، از فیلمفارسی فاصله می‌گیرد. گمانم خود مهرجویی در جایی گفته است که آن راحتی (شلختگی) پرداخت در سنستوری ناشی از مضمون فیلم است (خواننده این فیلم مگر جز یک خواننده عامه‌پسند است؟ یعنی معادل فیلمفارسی در حوزه موسیقی) که کاملا درست است. فیلمفارسی و موسیقی عامه‌پسند همواره موضوع میل مبهم سینماگران روشنفکر ما بوده است و اساس مضمون فیلمفارسی ارایه راحل فانتزی برای معضل اجتماعی فاصله طبقاتی است، یعنی رسیدن دختر پادشاه به مرد روستایی فقیر.

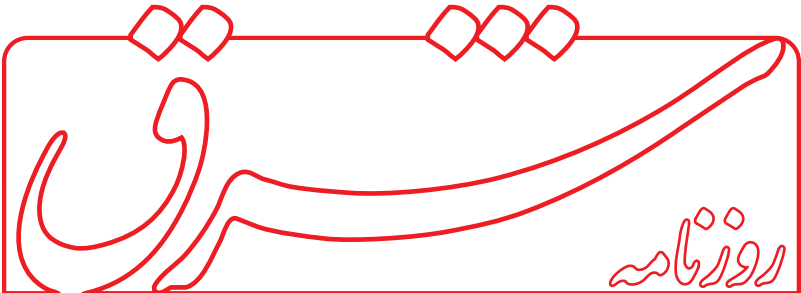
بله، راحل فانتزی برای معضل اجتماعی. گفته‌اند و می‌گویند که نارنجی‌پوش را (مانند اپیزود مهرجویی در تهران، طهران) نباید با ملاک فیلم رئالیستی نقد کرد. روشن است. مهرجویی حتما خودش می‌داند که راحلی که برای مشکل کثیفی شهر می‌دهد بیشتر به فانتزی شبیه است. در واقع او راحل نمی‌دهد، فرهنگ‌سازی می‌کند. نارنجی‌پوش فیلمی نیست درباره آنچه هست، فیلمی است درباره آنچه می‌تواند باشد یا باید باشد. چنین می‌گویند اما از نظر من این حرف‌ها توجیهی بیش نیست. خواست تلقی دنیایی کاملا شبیه دنیای خودمان به منزله دنیایی فانتزی با ذات رئالیستی مدیوم سینما و سبک بصری رئالیستی فیلم ناخواناست. ما آدم‌ها نارنجی‌پوش و دنیای نارنجی‌پوش را نمی‌توانیم به عنوان دنیایی فانتزی ببندیم. این همان کوچه و خیابان و همان آدم‌هایی هستند که وقتی از سالن سینما بیرون بیاییم دوروبرِ مان می‌بینیم. دیگر اینکه فیلم هیچ تلاشی برای رنگ فانتزی دادن به دنیای خود نکرده است. فانتزی نارنجی‌پوش از نوع فانتزی فیلمفارسی است که در آن واقعا به نظر می‌رسد که دختر و پسر فقیر از سر یخت یا حسن‌نیت و سر عقل آمدن آدم بدها به هم می‌رسند. این عناصر همان‌طور که اشاره کردم در فیلم‌های دیگر مهرجویی هم هستند، اما در آنجا با حفظ روی تلخ واقعیت تعدیل شده‌اند و حاصل کار — در آنجا — پیچیده و عمیق است.

چیز دیگری هم در نارنجی‌پوش هست که ریش را می‌توان در کارهای دیگر مهرجویی گرفت. آن نابوری و روشنفکری و روشنفکران است. روشنفکر واقعی آن است که روشنفکری‌اش را کنار بگذارد. آنکه به عمل رو آورد، عکاسی را کنار بگذارد و جارو به دست بگیرد. «هادینی» را در هامون به یاد می‌آورید؟ مهندسینی در کار تولید که هامون نجات از سرگشتگی را در یافتن او می‌داند. وکیل و زنش در هممان مامان را به یاد می‌آورید با قفسه‌ای پر از کتاب که از یافتن راحل برای معضل ساده اجاره‌نشینی عاجزند و فرو ریختن نمادین قفسه کتاب‌ها را؟

همه عناصر نارنجی-پوش، از خوش‌بینی سادمانگارانه تا شلختگی در فرم با درک عامیانه از کار روشنفکری، در کارهای دیگر مهرجویی هم قابل‌ردیابی هستند، اما اگر در آن کارها تنها جزیی از یک پاک پیچیده‌تر بودند، در نارنجی‌پوش با حذف سرسختی واقعیت اجتماعی و سرشت آدمی در برابر هر نوع اصلاح، به سادمانگاری تنزل یافته‌اند.

## شرق

## روزنامه



شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ - جمادی‌الثانی ۱۴۳۲ - ۲۸ آوریل ۲۰۱۲ - سال نهم - شماره پیاپی ۱۵۱۴ - شماره ۵۹۰ دوره جدید - ۱۲ صفحه - ۲۲ صفحه ضمیمه

#### زاویه دید

## خط‌مشی شما چیست

نقاش فعالیت می‌کنند. گروهی نیز افزایش تعداد گالری‌ها در چندسال گذشته در ایران را نکته مثبتی در زمینه بازار هنری و ارتقای سطح هنری می‌دانند. در شهر رم که سال‌هاست در آن سکونت دارم یا شهر بزرگ تورونتو کانادا که با دوستان هنرمندش آشنایی دارم شاید به سختی بتوان ۵۰۰ یا ۶۰۰ هنرمند را برگزید. گالری‌های خوب هنری هم که در شهرهای بزرگ جهان وجود دارند، انگشت‌شمارند. اما متأسفانه در ایران، آنها که می‌خواهند سرشناس بشوند یا از تنهایی در بیابند، بدون داشتن پیشینه هنری و کار در چنین زمینه‌ای، از ثروت‌شان استفاده کرده و زیرزمین خانه‌های گران‌قیمت‌شان را تبدیل به گالری کرده‌اند. در چنین فضاهایی تنها کارهای سفارشی، رابطهای و آنها که پولی می‌دهند تا کارشان به نمایش در بیاید به چشم می‌خورد و نشانه‌ای از کار هنری دیده نمی‌شود. باید صراحتا گفت که به اندازه بیشتر شدن چنین گالری‌هایی در ایران، عرضه کارهای مبتذل هم زیاد شده است. البته خریداران آن آثار هم اغلب فامیل‌های صاحب نمایش و عده‌ای نوکویه بیسواد هستند. در چنین آشفته بازار هنری این زیرزمین‌ها تبدیل شده‌اند به دکانی برای معروف شدن گروهی و ثروتمند شدن گروهی دیگر بدون توجه به ارزش‌های اثر و خالق آن.

تلاش برای بالا بردن سطح هنر و فرهنگ را باید از مدارس شروع کرد. باید در دبستان رابطه دیدن، نگاه کردن و ادراک را به کودکان آموخت. متأسفانه علاقه‌مندان به هنر در ایران، اکثرا پس از اتمام مدرک تحصیلی دیپلم، تازه به کلاس‌های آموزشی کشیده می‌شوند و بدتر آنکه پس از اتمام یک یا دو ترم بلافاصله نمایشگاهی برپا می‌کنند. کمبود گالری‌دار آشنا به هنر، فقدان منتقد هنری، عدم آموزش هنر در مقطع پایه آموزشی، کمبود پژوهش‌گر هنری و روزنامه‌نگار آشنا با هنر معاصر، نه تنها تله‌ای در جهت پیشرفت هنر و فرهنگ ایران در یک دهه گذشته برنداشته است، بلکه زمینه گوشه‌گیری و گلاها مهاجرت معذوم هنرمندان واقعی ایران را فراهم کرده و منجر به تخریب و عقبگرد در زمینه هنر شده است.

#### فلک‌الافلاک

## فوتبال دولتی و ضعف اراده لازم

#### بهمن قروتون

Bahmanforoutan.blogfa.com

به جرات می‌توانم بگویم عمیق‌ترین نگرش «فردوسی‌پور» به فوتبال ما، روز دوشنبه گذشته در برنامه نود با طرح سوال «یا بسری مبارزه با فوتببال ناپاک اراده لازم وجود دارد؟» روی آنتن رفت. سوال پیام کوتاه عادل متفکرانه، شجاعانه و روشنگرانه بود. او این‌بار برخلاف همه برنامه‌های سرگرم‌کنندماش عمق مناسبات اجتماعی را نشانه می‌رود و نظر دستکاری‌شده مردم را نسبت به ورزش مورد علاقه‌شان که شدیدا توسط افراد غیرورزشی دستکاری می‌شود، می‌پرسد. مردم جواب می‌دهند و با تناسب ۸۴ به ۱۶ درصد، نظر بر این است که اراده لازم برای پاکسازی فوتبال ما به‌درا دردتین آدم‌ها برای رسیدن به موفقیت احتیاج دارد. فکلتشیان فاسد نیست، گردن کلفت و دریده هم نیست ۱۶ درصد، نظر بر این است که اراده لازم برای پاکسازی فوتبال ما به جایی نخواهد رسید و دستکاری و فساد بیشتر و بیشتر خواهد شد.
خوب دولت در این زمینه تصمیم دارد چه‌کار کند؟ دست روی دست بگذارد و همان‌طوری که آمار ۸۴ درصدی نشان داد، بشود یا اینکه آستین‌ها را بالا بزند و خودی نشان دهد؟ بیایید یک کمی دودوتا چهارتا حسابی بکنیم. دولت بودجه می‌دهد سالی ۱۰۰۰میلیاردتومان، یک عده‌ای می‌آیند و قسمت بیشتر این پول‌ها را می‌خورند و مردم هم می‌گویند این دولت اراده لازم برای جلوگیری از این بخوربخور‌ها را ندارد. من می‌خواهم بپرسم این برای دولت افت ندارد؟ دولت در فوتبال پول بدهد و مورد افترا هم قرار گیرد آیا وقت آن نرسیده است که با قاطعیت جلو دستکاری‌ها گرفته شود؟ منتظر چه هستیم؟ در حالی که همه می‌دانند استعدادهایی که ما داریم اگر پول درست خرج شود جایگاه فوتبال ما در جهان جایگاه دیگری خواهد بود.

#### دکه

## شماره ۱۱ ماهنامه «خط خطی» منتشر شد

یازدهمین شماره ماهنامه کارتون و طنز «خط خطی» منتشر شد. در این شماره که براساس وعده، در اولین هفته اردیبهشت‌پریشخون‌روزنامه‌فروشی‌ها قرار گرفته، طنزهای اجتماعی، سیاسی،

اقتصادی و کارتون‌های جذاب و دیدنی در مقابل دیدگان مخاطبان دیده می‌شود. بخش جدول طنز و سرگرمی، تازه‌ترین بخشی است که از این شماره بر مجله افزوده شده است. گزارش تصویری جشن اولین سالگرد انتشار خط خطی را نیز



روزنامه‌فروشی‌ها عرضه می‌شود.



#### هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir

### «قهوه تلخ» دوباره آمد

قهوه تلخ از دهم اردیبهشت (به صورت هفتگی) مجددا در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شود. تصویربرداری مجموعه «قهوه تلخ» از روز پنجشنبه در یک رستوران واقع در زعفرانیه تهران آغاز شد. در انتهای قسمت ۲۵ شاهد قهوه‌خوردن نیما و درباریان جهانگیرشاه و ورود آنان به زمان حال بودیم و در قسمت ۲۶ که ۱۰ اردیبهشت توزیع می‌شود شاهد موقعیت‌های عجیب، کم‌دی و جذابی هستیم که در مواجهه درباریان جهانگیرشاه با امکانات زندگی امروزی زمان حال به وجود می‌آید.

#### پیشخوان

### جای خالی «نشر چشمه» در نمایشگاه کتاب

#### اسدالله امرایی



■ از چند روز پیش به دنبال برخی اخبار که به محرومیت برخی از ناشران از تحویل کتاب تا لغو مجوز فعالیت و شایعات دیگر حکایت داشت، اختلاف قول‌هایی بر سر زبان‌ها افتاد درباره احتمال ممنعت از حضور برخی ناشران در نمایشگاه کتاب که بزرگ‌ترین اتفاق فرهنگی کشور است.

نمایشگاهی که در هیچ‌کدام از کشورهای منطقه نظیر ندارد، شاید اگر به زور بخواهیم مصر را به منطقه خودمان بکشانیم، نمایشگاه «کتاب قاهره» را بتوان با آن مقایسه کرد. تازه آن هم از نظر بازدیدکننده و نوع عرضه با نمایشگاه کتاب تهران قابل مقایسه نیست.

ابتدا، معاونت محترم فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قضیه را به این صورت ندید و گفت که به هر حال اختلافاتی هست و حتی در آخرین مصاحبه‌اش اعلان کرد که مشکل ناشران با هماهنگی اتحادیه حل شده و آنها می‌توانند در نمایشگاه شرکت کنند. بلافاصله دست‌هایی به کار افتادند که چه نشسته‌اید معاونت فرهنگی با دست پس می‌زند و با یا پیش می‌کشد. با توجه به ماهیت صنعت نشر اختلاف بین ناشران و مدیران وزارت ارشاد کار طبیعی است. همان‌گونه که اختلاف نویسندگان و چهره‌های فرهنگی با همدیگر و با ناشران و وزارت ارشاد، خواه بر سر ممیزی، خواه بر سر نوع عرضه کتاب و الی آخر. ظاهرا اتحادیه ناشران مذاکراتی با معاونت فرهنگی داشته که به لغو محرومیت چند تایی از ناشران مورد بحث منجر شده که به واقع امر نیکی است. اما یکی از مهم‌ترین ناشران کشور یعنی نشر چشمه از این حق محروم شده. دلایلی هم که برای این محرومیت ذکر شده صرفا با یکی، دو اشاره مبهم که مقامات قضایی گفته‌اند یا دستور داده‌اند محدود شد. نشر چشمه سبوی اینکه سلیقه مدیرش یا کارکنانش یا نویسندگان و مترجمانش را ببندیم یا نه یکی از مهم‌ترین ناشران کشور است. از شخصیت مقبول و معقول آقای کایابیان هم چه عرض کنم که به قول قدیمی‌ها جماعت به سرش قسم می‌خورند و در خیلی از موارد بنده شاهد بودام که ایشان را در موارد اختلاف حکم کرده‌اند و حاصل رضایت طرفین بود.

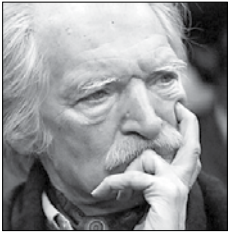
نشر چشمه فقط یک فروشگاه نیست، با دفتر نشر. صدها عنوان کتابی که منتشر شده هزاران نفر را تغذیه می‌کند. نویسندگانی که به امید فروش رفتن کتاب‌های‌شان از دور و نزدیک به تهران می‌آیند و خود را به نمایشگاه کتاب می‌رسانند دل‌شان می‌خواهد با خوانندگان آثار خود روبه‌رو شوند. حتی اگر بهانه این محرومیت دستور مقام قضایی و صرفا مقام قضایی باشد یا مقامات و کارشناسان دیگر، مگر دولت بارها با این نوع احکام و مصوبات مجلس و قوه قضاییه مخالفت نکرده مگر پای مطلبی که حق خودش می‌دانسته نایستاده چرا در بحث محرومیت یک ناشر گیرم نه خوشنام نمی‌دهند. مگر دولت موظف به حمایت شهروندان خود نیست. محروم کردن نشر چشمه یعنی محروم کردن ناشر از فروش مستقیم کالا و کسب نقدینگی روزبازده یعنی ایجاد مشکل برای وصول چک‌های موسسه و زبان مالی برای آن. به هر صورت نشر برای حضور خود برنامه‌ریزی کرده، بوستر به چاپ رسانده، تدارک دیده، نیرو استخدام کرده نشر چشمه که یک باشگاه نیست، صدها خانواده از قبل فعالیت‌های آن زندگی‌شان تأمین

می‌شود. ضرر این محرومیت برای جامعه خیلی بزرگ‌تر است. جامعه‌ای که افتخار مقامات اصلی آن متصف بودن به فرهنگ است و این مقامات حتما یک روز را به دیدار از نمایشگاه و گپ و گفت با ناشران اختصاص می‌دهند و توصیه می‌کنند که کتاب و فرهنگ کتابخوانی را به خانه‌ها ببریم. برایش سخت است که ببیند ناشری که همه آثار منتشر شده‌اش در این سال‌ها با استقبال روبه‌رو بوده جایش در نمایشگاه کتاب خالی است. حتی اگر در این تصمیم معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و مدیران آن قصوری نداشته باشند و تنها مجری دستور قضایی باشند، باز هم شایسته‌تر آن است که از موضوع دفاع از صنفی که تمشیت امورشان به آنها واگذار شده و دفاع از فرهنگ کشور با مقامات قضایی مذاکره کنند و آنان را مجاب کنند به صلاح نیست در شرایطی که هر روز تیغ زهر آگینیی رو به کشورمان برتاب می‌شود، به دست خود سبزه به دست بدخواهان این ملک بدهیم و هم ناشر در شمرات دشمنان این ملک و ملت بگذاریم که «بفرما شما چقدر خوش‌حالی». مگر می‌شود کار فرهنگی کرد؟ چرا خوراک تبلیغاتی برای بوق‌های دشمنان فراهم بیاوریم که مدتی است با کمبود مطلب روبه‌رو هستند و به تکرار آنچه گذشت می‌پردازند؟ امیدوارم مدیران ارشد و مقامات دلسوز ساختمان بهارستان در همین فرصت اندک باقیمانده بسا بازنگری در این تصمیم و لغو این مقرماتی که این محرومیت را باعث شده‌اند نسبت به نوع این محرومیت اقدام کنند و به رونق نمایشگاه بیفزایند. راضی نباشید که کشتی صنعت نشر و نمایشگاه را سوراخ کنند. بی‌تردید نمایشگاه کتابی که چشمه نداشته باشد، حتما چیزی کم دارد.

#### رویداد

## «دولت‌آبادی» با پیام صلح در همایش «صداهای جهانی ادبیات»

و می‌گوید، امیدوار است بتواند طبق روال همیشگی، چهره صلح‌آمیز ایران و ایرانی را به نظر دنیا برساند. این نویسنده پیشکسوت با اشاره به وضعیت و شرایط خاصی که بر کشور و منطقه ما حاکم است، امیدوار است با این سفر – تا حدودی که به یک نویسنده مربوط است– در جهت



رفع سوءتفاهم‌های موجود بکوشد. این سفر همچنین به دعوت دانشگاه بن و نمایشگاه کتاب ایتالیا در اروپا ادامه خواهد یافت. دولت‌آبادی دعوت‌های دیگری هم از کشورهای دیگر دارد، که می‌گوید، به علت طولانی‌شدن سفر، از رفتن به آن کشورها صرف‌نظر خواهد کرد. در دوره گذشته همایش بین‌المللی انجمن قلم آمریکا، خواهد داشت. دولت‌آبادی با ابروا قلم دنیا گرد هم می‌آیند که از ایران، دولت‌آبادی برای شرکت در این همایش دعوت شده است. در این سفر که انتشارات ملویل هاوس (ناشر کتاب دولت‌آبادی) با این سفر – تا حدودی که به یک نویسنده منظور شده که به معرفی رمان «کلنل و کتاب‌خوانی او اختصاص خواهد داشت. دولت‌آبادی با بیان اینکه من همیشه با چهره و زبان صلح به دنیا سفر کرده‌ام و سفر می‌کنم، این سفر را خبر تلقی می‌کند

ایسنا: محمود دولت‌آبادی برای شرکت در هشتمین همایش بین‌المللی صداهای جهانی ادبیات به آمریکا می‌رود. در این همایش که با هدف برجسته‌کردن کار نویسندگان سراسر دنیا و ایجاد گفت‌وگو میان آنها و مخاطبان‌شان از سوی انجمن قلم آمریکا برگزار می‌شود، بیش از صد نویسنده از قاره دنیا گرد هم می‌آیند که از ایران، دولت‌آبادی برای شرکت در این همایش دعوت شده است. در این سفر که انتشارات ملویل هاوس (ناشر کتاب دولت‌آبادی) با این سفر – تا حدودی که به یک نویسنده منظور شده که به معرفی رمان «کلنل و کتاب‌خوانی او اختصاص خواهد داشت. دولت‌آبادی با بیان اینکه من همیشه با چهره و زبان صلح به دنیا سفر کرده‌ام و سفر می‌کنم، این سفر را خبر تلقی می‌کند

#### نگاه مخاطب

## روابط عمومی «شرق» کجاست

### علی بصیری‌جیم

«شرق». تمامی کسانی که «شرق» می‌خوانند چه آنها که روزنامه را می‌خرند چه آنها که از دیگران عاریه می‌کنند و چه آنها که نسخه اینترنتی آن را می‌خوانند. حال چنانچه اگر بتوان راهی یافت تا تعداد خوانندگان «شرق» ما افزایش یابد پرواضح است که مشکلات مادی آن نیز تا حدود قابل‌توجهی رفع خواهد شد. و اما چاره کار چیست؟
چاره کار، چیزی نیست مگر در گیر کردن بعد معنوی روزنامه را بعد مادی آن و این مهم نیز عملی نمی‌شود مگر با بالا بردن بار مفهومی و معنوی آن از یک‌سو و از سویی دیگر ایجاد یک مرکز «روابط عمومی» تشکیلاتی در نشریه، ارگانی که خلاء وجود آن به شدت احساس می‌شود و البته در صورت وجود بسیار ضعیف عمل می‌کند. به‌خوبی می‌دانید عصر حاضر، عصر اطلاعات و ارتباطات است و زیربنای تمامی امور در حوزه ارتباطات، در دوره حاضر داشتن برنامه‌ریزی مناسب و عملگرا و همچنین وجود رکن «روابط عمومی» است که نبود یا ضعف این مهم لطمات بی‌شماری را در پی دارد و شاید این مدعا مطالعه در سبک و شیوه کاری نشریات معتبر جهانی است.

به عنوان یکی از جوانانی که از نخستین روزهای انتشار «شرق» از خوانندگان آن بوده و هستم، نکاتی را برپامروم پیشرفت‌ها در چه‌بتر روزنامه مطرح می‌کنم امید به آنکه مقبول افتد.

یکم آنکه، در این اوضاع و احوال باید «شرق» ما بهترین آنچه می‌تواند، باشد و از دِرح مطالبی که زربنده خودش و مخاطبانش نیست پرهیز کند. «شرق» ما رسانه ماست. «شرق» ما چهره و نماد ماست. دوم آنکه، لختی پیش از شروع سال نو (عیدتان مبارک!) مطلبی از مدیرمسئول به چاپ رسید با مضمون یافتن راهی به منظور تأمین هزینه‌های چاپ و نشر روزنامه، که دوستان و سایر خوانندگان پیشنهادات خوبی را ارایه کرده بودند و خلاصه هر که به فراخور حال خود هر آنچه می‌دانست به زبان آورد تا کمکی باشد به ادامه راه. و اما شاید سهم من در این میان تنها مطالعه بود به منظور یافتن راهی علمی و عملی برای بروزرفت از این نابسامانی…

خوب است همواره به یاد داشته باشیم که مهم‌ترین ثروت مادی و معنوی این نشریه در خود آن نهفته است که می‌تواند به راحتی تکلفوی بسیاری از نیازهای آن را برساند و آن چیزی نیست مگر خوانندگان و طرفداران